

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

حکومت سرمایه داران و زمینداران بزرگ تمام وسایل را بیکار انداخته تا بهره کشان آخرین قطره های خون کارگران و زحمتکشان را بکشند و بر سود های کلانی که از راه استثمار بدست میآورند باز هم بیفزایند. شاه، نخست وزیر، وزارت کار، ساواک و دستگاههای تبلیغاتی رژیم-شاهانه کارفرمایان ستمگر، زیرشمار «مبارزه با کم کاری» از چندی پیش هجوم تازه ای را علیه زحمتکشان آغاز کرده اند. تابع کردن مزد و

کارگران، زحمتکشان، با اتحاد و مبارزه از حقوق خود دفاع کنید!

کار، سرکوب بیرحمانه، اعتصاب های حق طلبانه و مسالمت آمیز کارگران بدست مأموران ساواک، اختصاص برنامه کارگران رادیو تهران به تبلیغ برای بالا بردن بهره دهی کار، حتی تفسیر های متقلبانه دنباله در صفحه ۲

سود ویژه، به بهره وری کار، تجدید نظر در قوانین کار بسود کارفرمایان، تشکیل کمیسیون شاهنشاهی برای نظارت بر امر تولید، تموین آئین نامه انضباطی علیه کارگران، باز گذاردن دست کار فرمایان برای مجازات کارگران تا حد اخراج، تنظیم شناسنامه

فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران ای آزادی زندانیان سیاسی متحدا مبارزه کنیم!

وجود دارد. کفایت بعنوان نمونه از برخی نمایندگان برجسته سازمانها و گروهها و بعضی شخصتهای مخالف رژیم، که اکنون در زندان بسر میبرند، نام ببریم: اعضای حزب توده ایران مانند: صفی قهرمانی، ابوتراب باقرزاده، عباس حجری، محمد اسمعیل ذوالقدر، رضا شلتوکی، محمد علی عموئی، تقی کی منش، علی خاوری، صابر محمدزاده و آصف زمرزنده، از روحانیان آیت الله طالقانی، از هنرمندان ونوسند گل رحمانی نژاد، محسن یلفانی، سعید سلطانیور، علی اشرف درویشیان، از هواداران مشی چریکی پاک نژاد و کاخساز، از جبهه ملی ایران دکتر عباس شیبانی.

چنانکه معلوم است همه این مبارزان، با وجود گرایشهای گوناگون و گاه متضاد سیاسی و ایدئولوژیک، یک جرم مشترک دارند و یک سرنوشت مشترک، یعنی مخالف رژیم دیکتاتوری شاهاند و در زندانهای شاه در کنار هم نشسته اند. لذا سازمانها و گروههای مخالف رژیم که اعضاء و هواداران آنها در زندان بسر میبرند، برای آزادی زندانیان سیاسی، میتوانند و باید وحدت عمل داشته باشند تا تمام نیروها هماهنگ و متعزکز گردند، همه امکانات و ابتکارات مورد استفاده قرار گیرد و بدینسان نتیجه این مبارزه که بسود همه است، چشمگیرتر شود.

حزب توده ایران که همواره باستواری و پیگیری برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کرده و در این مبارزه اصلی خدشه ناپذیر دفاع از زندانیان سیاسی را، صرف نظر از گرایشهای سیاسی و ایدئولوژیک آنان، رهنمای خود قرار داده است، با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران و فرزندان اسیر آنها، با ردیگرار همه نیروها، سازمانها، گروهها و افرادی که صادقانه برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه میکنند، میطلبید که مبارزه خود را در این زمینه گسترش دهند و بویژه آنرا متحد سازند. حزب توده ایران بپویه خود آماده است که تمام نیروها و امکانات خویش را برای گسترش این مبارزه و تحقق این وحدت عمل بکار اندازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
خرداد ماه ۱۳۵۶

تلگراف شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

رفیق عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شما را به عالی ترین مقام دولتی، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، صمیمانه شاد باش میگوید. انتخاب شما بمقام شخصیت اول دولت شوروی نشانه دیگری از محبت بینایان و اعتماد فراوان ملل اتحاد شوروی به شخص شما بعنوان رجل برجسته حزبی و دولتی طراز لنینی است. بدون شک این انتخاب شایسته، رفاه و پیروزیهای بیشتری را نصیب ملل و دولت شوروی میسازد و نتایج ثمربخشی برای صلح جهانی و پیروزی مبارزات آزادی - ملی خلقها در تمام جهان بهمراه خواهد داشت.

رفیق عزیز! بهترین آرزو های ما را بخاطر حفظ سلامت و کسب پیروزی های نوین در اجراء وظایف خطیری که حزب کمونیست و ملل اتحاد شوروی به شما واگذار کرده اند، بپذیرید.

با سلامهای گرم برادرانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - ایرج اسکندری



طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی پیروزی تاریخی در راه ساختمان کمونیسم

صنایع دهنده که در ایجاد پایه مادی - فنی ساختمان جامعه کمونیستی حاصل شده در آن منعکس گردیده و توسعه دهنده سوسیالیستی در جامعه شوروی در آن بازتاب یافته است. در پیشگفتار طرح قانون اساسی جدید تأکید

شده است که: هدف عمده تولید اجتماعی در جامعه سوسیالیستی برخلاف تولید سرمایه داری که هدفش بدست آوردن سود برای سرمایه داران است، رفع هرچه بیشتر و کامل تر نیازمندیهای مادی و معنوی فزاینده افراد جامعه است.

در ماده اول فصل نظام سیاسی تصریح شده است: اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دولت همگانی خلق است که باینکار اراده و منافع طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران همه ملتها و خلقهای کشور میباشد.

دولت همگانی خلق شکل تکامل یافته دیکتاتوری پرولتاریاست که در نتیجه ساختمان جامعه سوسیالیستی و ایجاد جامعه سوسیالیستی پیشرفته که مرحله نازمای در راه ساختمان جامعه کمونیستی است، قانونمندانه پدید آمده است.

از تصویب سومین قانون اساسی اتحاد شوروی در سال ۱۹۳۶، چهل سال سپری شده است. طی این مدت در زمینه های گوناگون زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و معنوی جامعه شوروی و همچنین اوضاع جهانی تحولات بنیادی شگرفی روی داده است. در اتحاد شوروی جامعه سوسیالیستی رشد یافته ایجاد گردیده و مالکیت سوسیالیستی بر سراسر اقتصاد کشور تساط مطلق دارد. همروند بارشد اقتصادی، صنعتی و علمی دنباله در صفحه ۲

چهارم ماه ژوئن طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی بمنظور بحث و بررسی همگانی مردم شوروی در مطبوعات اتحاد شوروی انتشار یافت. انتشار طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی در آستانه برگزاری شصتمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، یک رویداد تاریخی و حائز اهمیت جهانی است.

طرح جدید پس از تصویب چهارمین قانون اساسی کشور شوراسا پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر خواهد بود. قوانین اساسی اتحاد شوروی بیانگر مراحل گوناگون رشد و تکامل نظام سوسیالیستی و تثبیت قانونی و حقوقی دستاوردهای خلقهای اتحاد شوروی در ساختمان جامعه سوسیالیستی و کمونیستی هستند.

نخستین قانون اساسی جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه که در سال ۱۹۱۸ تصویب رسید، نتایج پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر را بصورت قانونی تثبیت کرد و سرشت طبقاتی دولت شوروی را بنحایه دولت دیکتاتوری پرولتاریا مشخص ساخت. دومین قانون اساسی مصوب سال ۱۹۲۴ تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را که برپایه اتحاد داوطلبانه و سوسیالیستی همه خلقهای ساکن کشور بوجود آمد اعلام داشت و اصول و مبانی قانونی و حقوقی و وظایف جمهوریهای متحد در اتحاد شوروی را بصورت قانون تدوین و تنظیم کرد.

در سومین قانون اساسی اتحاد شوروی که در سال ۱۹۳۶ تصویب رسید، پیروزی استقرار مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و دستاوردهای آن مرحله از ساختمان سوسیالیسم بآیات یافت. طرح جدید قانون اساسی ضمن حفظ بسیاری از فصول و مواد قوانین اساسی پیشین که با سرشت نظام اجتماعی اتحاد شوروی بستگی داشته و دارند، با فصول و مواد تازه ای تکمیل شده که مرحله نوین رشد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه سوسیالیستی رشد یافته و

تظاهرات همبستگی در ایتالیا بمناسبت روز زندانیان سیاسی ایران

نوزدهمین سالگرد شهادت خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران طی مراسمی با حضور رفیق لویجی لونگو صدر حزب کمونیست ایتالیا و شهردار شهر رومانوفیانو که مجسمه دیاد خسرو روزبه، در میدان بزرگ این شهر نصب شده است و با حضور نمایندگان احزاب دموکراتیک و دانشجویان ایرانی برگزار شد. از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، شهرداری شهر رومانوفیانو، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران دسته های گلی پای تقدیس دیاد خسرو روزبه، گذارده شد. باین مناسبت، شهردار شهر رومانوفیانو و نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانیهای ایراد کردند. رفیق لونگو نیز ضمن ادای کلمات گرمی، همبستگی خود و حزب کمونیست ایتالیا را با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران اعلام داشت. دنباله در صفحه ۲

کنفرانس علمی با کو

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و جنبش بخش خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

در دهه آخر ماه مه ۱۹۷۷ در شهر باکو بنابه تشرک کمیته همفرنی با خلقهای آسیا، آفریقا و لاتین و آکادمی علوم جمهوری سوسیالیستی فرابایجان کنفرانس بین المللی برای بررسی علمی اثر انقلاب کبیر اکبر در گسترش جنبشهای آزادی ملی در سه قاره تشکیل گردید.

انتخاب شهر باکو برای برگزاری این کنفرانس سیار شایسته و بجابود، زیرا در همین شهر که ن از مژهای نیرومند جنبش انقلابی پرولتاریائی قبل از انقلاب اکبر بود، پیرای اولین بار بروزی انقلاب اکبر در سال ۱۹۲۰ به ابتکار ین کنگره ملل شرق تشکیل گردید و این که نمایندگان بیش از ۴۰ کشور و از آنجمله ان خلقهای ایران در آن شرکت داشتند، همه بحورم جهان را فراخواند تا مبارزه خود را علیه بربرالستی گسترش دهند. بر این کنفرانس هیئت های نمایندگی بیش از دنباله در صفحه ۲

یگانه راه!

میخواهم برایتان از مرگ عزیزی بنویسم که شاگردانش او را خیلی دوست داشتند. از کسی که ملت ایران باید در مرگش سوگواری باشد، چرا که او یکی از هزاران آدم سازنده ای بود که رژیم مغرور شاه زندگی را از او گرفت.

او معلمی دلسوز بود و پیری رها نمی کرد. از ۵۸ سال عمر خود را تدریس کرد. وی سالها در این راه سوخت. در شهریور ۱۳۵۵ بود که خبر تیران بران محمد صفری لنگرودی فرزند غلامحسین صفری لنگرودی در روزنامه ها منتشر شد. شاه خائنانه هر روز دستور کشتن جوانهای ما را می دهد و با این کار خانواده ها را داغدار میکند و پندری را از زندگی بیزار.

چرا که عزیز ترین کس در دنیا برای پدر فرزند او است و از دست دادن فرزند غمی جانکاه. با اینحال پدر پس از شهادت پسرش باز هم کار تدریس را دنبال می کرد. اما دیگر صفری آن صفری گذشته نبود که در کلاس درس همیشه لبخند بر لب داشت. شاگردانش را برای حل مسئله ای به جنب و جوش می انداخت. و اگر دانش آموزی در حل مسئله موفق نمیشد، با لبخند پیرانه ای خودش بجل آن می پرداخت. با اینکه رشته تدریس با فرمولهای خشک ریاضی سر و کار داشت. ولی کلاش از گرمترین کلاسها بود.

اما حالا صفری چرا چنین شده؟ شاگردانش در گوش هم زمزمه می کردند. پرده ای اشک چشمان صفری را پوشانده بود. هاله ای از غم گرد سرش بود. کلاش آن روح سابق را نداشت. لبخندی که به شاگردانش امید میداد، دیگر بر لبانش نبود. پیوسته در مبارزه با غمی بود که تمام تار و پود وجودش را می خورد. صفری مرده بود. و اوضاع همان روزی مرد که پسرش تیران بود.

روز ۳۰ اردیبهشت خبر مرگ غلامحسین صفری معلم هندسه و مثلثات به شاگردان و همکارانش رسید. و آنها را غزاد کرد. همه گریه می کردند. کوچک و بزرگ، همه کسانی که سالها با او بودند و صفری در قلبشان برای خود جایی باز کرده بود. هیچکس خبر را باور نمی کرد. شاگردانش اشک ریزان با دفتر مدرسه هجوم برده و از علت مرگ او جویا میشدند. مدرسه بهم ریخته بود. کارکنان مدرسه بچه ها را آرام می کردند. در حالی که سیل اشک از چشمانشان جاری بود. یکی امید میداد، دیگری با اشکش میفهماند که دیگر نباید منتظر صفری بود. روز بعد مدرسه سیاه پوش شد.

۱۱ اردیبهشت شاگردانش مجلس یادبود او را برپا کردند و صافخانه را ماتم او نشستند. اما این مرگها پایان و این غمها تمامی ندارد. مگر همه متحد شویم و بساط دیکتاتوری شاه را واژگون سازیم.

بیخیزیم، متحد و استوار! صادقانه گام گذاریم در راهی که یگانه راه است؛ اتحاد برای برانداختن دیکتاتوری مغرور شاه!

تظاهرات همبستگی با ایران در ایتالیا

قبلا با بنامست شهردار رومانو فیاتو پیمای دائر به همبستگی با مردم ایران فرستاده بود که ضمن آن گفته میشد: «بنامندگی از طرف احیایست دموکراتیک شهر، دولت ضد خانی شاه را که هر گونه آزادی را سرکوب کرده است، قاطعانه محکوم میکنیم».

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران نیز بمناسبت روز ۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی ایران هزارها اعلامیه در شهرهای رم، بروجو، تورینو، فلورانس، پادوا و ونیز پخش و پلاکتهای بسیاری در این شهرها بر دیوارها نصب کردند.

روزنامه آومانیتته، در گان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا روز ۱۱ ماه مه با بنامست نوشت: «امروز روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران اعلام شده است».

با بنامست پیمای دائر درخواست آزادی میهن پرستان ایرانی با امضاء عده زیادی از شخصیت های سیاسی و اجتماعی و هنری ایتالیا انتشار یافته که در آن اسامی زیر به چشم می خورد:

لویجی اونگو، صدر حزب کمونیست ایتالیا، زهربران برجسته حزب کمونیست، جان کارلو پائینا، جورجو آمدولا، جاردو کیارومته، آلوارو، امانوئل ماکالوزو، صدراعظمی ملی پارتیزانهای ایتالیا، اریکو پلرینی، شهردار رم، جولیو کارلوار کان-

کارگران، زحمتکش!

از آیات قرآن و اخبار بوسیله یاره ای از گویندگان خود فروخته برنامه مذهبی دائر بر اینکه سنی و کوشش در کار فرمانی الهی است (ایس للانسان الامس) همه و همه وسایلی هستند که برای کشتن آخرین رمق زحمتکش و جلوگیری از هرگونه جنبش حق طلبانه آنها بکار انداخته اند.

حکومت کارگر کش ایران اینک پی برده زیر عنوان «مبارزه با کم کاری، علیه طبقه کارگر بسود بهره کشان به مبارزه پرداخته است».

کم کاری، ادعای بیشرمانه است که رژیم و کارفرمایان و دستگاههای تبلیغاتی آنها برای توجیه اقدامات ضد کارگر خود عنوان کرده اند. دروغ بودن این ادعا را کارگاهی دلگشا، ماشینهای آخرین سیستم، مبارزات کارگران و اتحادیه ها که صرف عیاشی و سفرهای تفریحی بلویا و امریکا میشود، ذخیره های روز افزون بانکی در داخل و خارج کشور و افزایش میلیونرهای که مانند قارچ میروند ثابت میکند. این پولها از کجا آمده و چگونه کارفرمایان و مفتخواران ایران در زمانی کوتاه باین ثروتها سرشار رسیده اند؟ از کم کاری زحمتکش یا از بهره کشی بی حساب از کارگران و زحمتکش؟ این سود ویژه، که دولت با بوق و کرنا بعنوان «مراحم ملوکانه» نسبت به کارگران از آن دم میزند و آنرا در مواردی برابر سه ماه حقوق یک کارگر بحساب می آورد چیست؟ مگر نه جزء بسیار بسیار کوچکی از سود کلانی است که کارفرمایان میبرند و در پایان سال چون قطره ای از دریا پس از هزاران تقلب و تزویر در محاسبات و تازه آنها را با بهره کشی کامل از نیروی کار، بکارگران میپردازند؟ اگر سودی نیست پس «سود ویژه» چیست؟ البته سود هست و خیلی هم هست، ولی دیکر طمع کارفرمایان پر شنی نیست. آنها میخواهند که کارگران مانند دوران پردگی به بخور و نمیزی بسازند و تاجان دارند کار کنند و صدایشان هم در نیاید.

حکومت ایران مدعی است که درآمد سرانه مردم به دوهزار دلار رسال رسیده و سطح زندگی کسی که واز بالا رفته و از این ادعا باین نتیجه نادرست میرسد که گویا زحمتکش ایران که در رفاه و آسایش بسر میبرد! (کم کاری میکنند و باید تلاش بیشتری برای بالا بردن بهره دهی کار بعمل آورند. از روی یک محاسبه ساده میتوان پی برد که این ادعا تله اندازه پوچ و دروغ است. دولت حد اقل دستمزد یک کارگر را هیچگاه تومان در روز تعیین کرده، ما آنرا بیست تومان بحساب میآوریم. باین حساب درآمد یک خانواده کارگری با حد متوسط پنج سر عائله شصت تومان در ماه و هفت هزار و دوست تومان در سال خواهد بود. ما این رقم را ده هزار تومان میگیریم و وقتی این مبلغ را به پنج سر عائله بخش کنیم بهر یار در هزار تومان در سال یا دوست و هشتاد دلار میرسد، یعنی هزار و هفتصد و بیست دلار کمتر از درآمد سرانه ای که دولت مدعی است! حالا این سؤال مطرح میشود که پس این پولها که بحساب سرانه مردم گذاشته شده بکجا میرود؟ این پولها صرف خرید اسلحه، صرف نگهداری یک ارتش نیم میلیونی، صرف ساختن پایگاههای نظامی هوایی و دریایی، صرف حقوقهای گزاف کارشناسان نظامی امریکائی، صرف دیوهای کلان خبری، تیسراران و مقامات عالی رتبه دستگاههای اداری، صرف غارتگری سرمایه های خارجی، صرف نجات سرمایه داران بحران زده امریکایی، صرف عیاشی جلاخان ساواک و گسترش شبکه های جاسوسی، صرف انباشتن جیب های کارفرمایان و مقابله کاران داخلی و خارجی و نظائر آنها میشود. آنچه از این غارتگریها، اتانها، حاتم بخشیه و روشن بگوئیم خیانتها بزندگی روزانه کارگران و زحمتکش عاید میشود، صرف نظر از همه چیز، به ملت فراوانی پول در دست کسانی که خود هیچ چیز تولید نمیکنند، تورم، بالا رفتن هزینه زندگی و پایین آمدن قدرت خرید زحمتکش است. این واقعیت را طبقه کارگر استاندارد رم، مانو ریسو فرارا، نقاش معروف و دارنده مدال صلح لنینی، رناتو گوتوزو، نقاش مشهور و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست، ارستو ترکانی، مؤننا بهمن منبست از جانب عدای از شهرداران ایتالیا تلگرافهایی مبنی برخواست آزادی سیاسی ایران مخابره شد. شهرداران شهرهای: لیورنو، پیستویا، گروسو، کارارا، چه زتا، بروجولا، رجواپلیا، پیترو سالتا، این تلگرافها را امضاء کرده بودند.

طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی

سطح آموزش تخصصی و آگاهی سیاسی طبقه کارگر، دهقانان کلخوزی اعتلاء یافته، نشر روشنفکران جامعه به روشنفکران اصیل خلقی سوسیالیستی تبدیل شده اند. برابری خلقها در اتحاد شوروی نه تنها از لحاظ حقوقی و قانونی، بلکه عملاز لحاظ سطح اقتصادی و فرهنگی تحقق یافته است. با ایجاد جامعه سوسیالیستی رشد یافته همه اقشارهای جامعه شوروی در مواضع اندیشه ای و سیاسی طبقه کارگر قرار گرفته اند. بدین ترتیب حاکمیت کشور نیز که به شکل دولت دیکتاتوری پرولتاریا استقرار یافت، در این مرحله رشد تاریخی به دولت همگانی خلق تکامل می یابد.

شرایط بین المللی اتحاد شوروی ملی چهل سالگی که از تصویب سومین قانون اساسی (سال ۱۹۳۶) میگذرد، عمیقاً تغییر یافته و در منظره سیاسی و اجتماعی جهان تحولات ژرفی روی داده است. به محاصره اتحاد شوروی که یگانه کشور سوسیالیستی در حلقه جهان سرمایه داری بود پایان داده شد و سوسیالیسم به سیستم جهانی تبدیل گردید و جامعه مقتدر کشورهای سوسیالیستی پدید آمد. مواضع سرمایه داری جهانی بطور ماهوی و بمقیاس بین المللی تضعیف گردید، بجای مستعمرات پیشین دهها کشور نو استقلال ملی تشکیل یافت. در نتیجه این عوامل تناسب نیرو در عرصه جهانی بنفع سوسیالیسم دگرگون شده است.

در فصل چهارم قانون اساسی جدید زیر عنوان سیاست خارجی تصریح شده است: دولت اتحاد شوروی سیاست لنینی صلح را بطور پیگیر اجرا میکند. طرفدار استحکام مبانی امنیت خلقها و همکاری و سبب بین المللی است. سیاست خارجی اتحاد شوروی در جهت تأمین شرایط مساعد برای ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی، استحکام مواضع سوسیالیسم جهانی، پشتیبانی از مبارزه خلقها بخطر آزادی ملی و ترقیات اجتماعی، جلوگیری از جنگهای تجاوز کارانه است.

در فصل هفتم طرح جدید، حقوق اساسی و آزادیهای دموکراتیک و وظایف افراد جامعه تصریح شده است. در این فصل تصریح شده است که اتباع اتحاد شوروی بموجب قانون، حق کار، استراحت، آموزش رایگان در تمام مدارج تحصیلی، استفاده از خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، تأمین مسکن، حقوق بازنشستگی، تأمین دوران سالخوردگی، بیماری و معلولیت را دارا میباشند.

یکی از بزرگترین دستاوردهای تاریخی جامعه شوروی که در طرح قانون اساسی جدید تصریح گردیده عبارت از آنست که مجموعه تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجب رشد و تکامل همگونی سیاسی و اجتماعی جامعه شوروی گردیده، در نتیجه اتحاد خلق ناپذیر طبقه کارگر، دهقانان کلخوزی و روشنفکران خلقی استحکام بیشتری یافته و تفاوتهایمان گروههای عمده اجتماعی بشیرج از میان میرود. همه ملتها و خلقهای اتحاد شوروی با روند زندگی سوسیالیستی بیش از پیش یکدیگر نزدیک شده و همگون میشوند و جامعه شوروی مرکب از انسانهای با اشتراک منافع تاریخی نوین بشکل خلق واحد شوروی شکل و تکوین میپذیرد.

رفیق برزنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارش خود پیرامون طرح قانون اساسی جدید در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متذکر شد: «کامیابهای سوسیالیسم که در مواد این قانون منعکس شده برای خلقهای کشور هائیکه راه رشد سوسیالیستی را برگزیده اند نمونه الهام بخشی است. این کامیابیها در توده های زحمتکش کشور های سرمایه داری در مبارزه در راه حقوق خود و رهایی از ستم استثمار سرمایه داری اعتقاد و ایمان بیشتری ایجاد میکنند. رفیق برزنف خاطر نشان کرد: «ما در مقابل تبلیغات بورژوائی و وزحمتکش ما با گوشت و پوست خود لمس میکنند و به این دلیل است که با وجود خطر مرگ، زندان و بیسار شدن دست باعصاب میزنند و از حقوق خود دفاع مینمایند. تجربه آنها آموخته و بازم می آموزد که نباید کوچکترین انتظاری از شاه و دستگاه دولتی و کارفرمایان سود جو داشت. مبارزات دایرانه و حق طلبانه طبقه کارگر ما که دارای سنت مبارزه طولانی بویژه زیر رهبری سیدیکالی شوروی متحده مرکزی و رهبری سیر خاچی سرخ در توده ایرات است» آگاهانه تر و سازمان یافته تر میشود. برای جلوگیری از این مبارزات و ارضای هر چه بیشتر آزمندی و طمع ورزی سرمایه داران و زمینداران بزرگ است که رژیم

کنفرانس علمی باکو

۷۰ کشور جهان شرکت جستند. در میان کنار نمایندگان کشورهای میزبان، نمایندگان سوسیالیستی اروپا و آسیا، هیئت های نمایندگان خلق های که زنجیرهای اسارت امپریالیستی دریده و راه تکامل آزاد را در پیش گرفته اند، خلق های که هم اکنون در مبارزه علیه امپریالیسم هستند و همچنین نمایندگان گال برخی از کمونیستی کشورهای سرمایه داری غرب دیده کنفرانس در همان آغاز کار خود پیا رفیق برزنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد را با شور فراوانی استقبال کرد.

گزارش اصلی کنفرانس بوسیله رفیق عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد، دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان ایراد در این گزارش با روشنی چشمگیری میشد که در دوران ۶۰ ساله پس از انقلاب زیر تأثیر جهانگیر این عظیمترین تحول انقلابی بشر چه دگر گوئیهای شگرفی در سراسر جهان پیوسته است. جهانی که در دوران پر گران گنگره ملل شرق تقریباً تمامش را لاشخورها، لیستی بین خود تقسیم کرده و حاکمیت شوم غا و جنایت بلوا خود را بر آن مستقر ساخته و سخرانیهای پر شور نمایندگان گال پیش کشور و جنبشهای رهایی بخش ملی و از آنجا ویتنام، آنگولا، موزامبیک، گینه، خلقها و سیاه، مبلزان شیلی، برزیل، جنوب افريقا و نامیبیا و دهها نمایندگان دیگر سمفونی پرده که از سوی خلقهای آزاد شده و در حال نبرد میشد. این سرود ارزانی صادقانه و پر سپاسی بود از تأثیر تاریخی انقلاب کمونیست سوسیالیستی از پشتیبانی بی دریغ و پیگیر کشور اتحاد شوروی جنبش های آزادی بخش ملی در همه مراحل تکامل از روز نخست پیدایش اولین نقطه های انقلابی و پس از پیروزی، در دوران ساختمان پایگاه ها و بدلی جامعه نوین سوسیالیستی.

برای همه کسانی که در این کنفرانس داشتند بطور چشمگیر این واقعیت تسخیر شده سیاست صلح اتحاد شوروی، سیاست تحمیل ه مسالمت آمیز به کشورهای امپریالیستی، سیاست تهنه در مناسبات بین کشورها امکانات بطور جدید رشد و پیشرفت جنبشهای آزادی بخش ملی بوجود است. در لایلهای همه برآمدهای کنفرانس این نمایان میشد که تا چه حد پیشرفت سیاست صلح شوروی - که خود محصول تغییر محسوس نیروها در میانه سیاست جهانی است - در تنگ میدان عمل نیروهای متجاوز امپریالیستی و در گشایش راههای تازه و امکانات نو برای پیروزی های رهایی بخش ملی مؤثر بوده و میباشد.

در این کنفرانس بطور روشنی این واقعیت دیگر در برابر چشم شرکت کنندگان نمایان شد انقلاب کمونیست سوسیالیستی اکبر، دوران دگرگونی که نه آغاز گردیده و علیرغم همه تلاشهای در حال امپریالیسم، مارش تاریخی آزادی خلقهای محروم روز افزون به پیش میرود و دیگر هیچ نیروی، هر جنایت پاریشاد، توانائی آنرا ندارد که این تحول عقب برگرداند.

روز بیست و یکم از تغییر نادرست و تحریف شده دموکراسی و حقوق بشر، یک مجموعه کامل و واقع آمیزهای دموکراتیک افراد جامعه سوسیالیستی و میهنم. ما با تدوین این قانون اساسی، دستاورد واقعی دوران ساز زحمتکش را که به برکت حاکم طبقه کارگر زیر رهبری حزب کمونیست شده اند، در گف ترازی تاریخ قرار میدهم.

ق. پیروز